

تعلیم زنان در صدر اسلام

تمام آیات و روایات که در مورد تحصیل علم و دانش وارد شده است عام میباشد، که شامل زن و مرد است دین اسلام علم را نور و جهل را ظلمت و تاریکی و علم را بینائی و جهل را کوری میدانند و وقتی علم از دیدگاه اسلام نور و بینائی است بر هر مسلمان فرض است.

آیا میتوان گفت از نظر اسلام تنها بر مردان لازم شده که از ظلمت و تاریکی خارج شوند و به روشنائی برسند و بر زنان این حق داده نشده آیا زنان در جهل نادانی باقی بماند

در حالیکه فکر و استعداد درس خواندن را همان طوریکه خداوند^۱ بر مردان داده به زنان هم داده است منع زنان از درس خواندن چیز جز جلو استعداد خدا داده را گرفتن نیست حضرت محمد^۲ برای خانم خود معلم زن گرفته بود که اوشفا دختر عبد الله بود و همچنان در زمان برای زنان مراکز تعلیمات عمومی بود که زنان می توانستند به آن رفت آمد کنند و در مجالس علمی حضور یابند که این عمل حضرت محمد^۳ برای آموختن برای زنان یک الگو خوب برای ما می باشد.

زنان در صدر اسلام نه تنها از حق تحصیل و دانش برخوردار بودند بلکه این حق را هم داشتند که به تعلیم

و نشر دانش بین زنان و مردان بپردازند، در بین زنان معلم و استادان در بخش های مختلف وجود داشت به ویژه در زمینه علم حدیث که زنان می توانستند در آن رشته به درجه استادی نائل آیند.



اسلام مرد و زن را در تدبیر زندگی به کار مساوی میدانند و هر دو قشر در تحصیل و احتیاجات زندگی و آنچه که مایه حیات انسانی است یکسان می باشد زن می تواند همانند مرد مستقلاً کار کند و مالک نتیجه کار خویش باشد تحصیل و کسب علم و دانش احکامی است که زن و مرد در آن شریک می باشند و هرگز اسلام فرق میان زن و مرد در آموختن علم نمیداند پس چه خوب خواهد بود که ما هم این فرق را از بین ببریم تا باشد که یک جامعه سالم و پیشرفته داشته باشیم.

زرغونه (صدیقی)

مدیره آگاهی عامه ریاست امور زنان

زندگی نامه مختصر استاد شاه محمود محمود

است. 1 - تاریخ مستقل غوریان چاپ اول 1386 هـ.ش، چاپ دوم 1388 هـ.ش انتشار دهنده بنیاد فرهنگی جهانداران غوری، چاپ سوم 1389 هـ.ش انتشار دهنده بنیاد فرهنگی جهانداران غوری، 2 - تاریخ نیمروزیان (تیزس ماستری) چاپ سال 1376 هـ.ش، 3 - تاریخ آسیای مرکزی «ترجمه، تعلیق و تحیسه» چاپ 1388 هـ.



4 - تاریخ روابط افغانستان و هند ج اول (1747 - 1857) چاپ سال 1387 هـ.ش، 5 - تاریخ نویسی در افغانستان چاپ سال 1377 هـ.ش و 6 - تاریخ افغانستان «مجموعه سی مقاله» چاپ سال 1390 هـ.ش. همچنان به کوشش و اهتمام محمود؛ اثار دانشمند تاریخ و استاد^۴ پوهاند میر حسین شاه نیز چاپ و انتشار گردیده است. ۱۱ سهم مسلمانان در جغرافیه چاپ سال 1389 هـ.ش، 2 - انگلستان و افغانستان چاپ سال 1389 هـ.ش، 3 - تاریخ هند در قرون وسطی، 4 - تاریخ علوم در شرق چاپ سال 1395 هـ.ش، 5 - میرزا عبدالقادر بیدل.

آثار چاپ نشده 1 - تاریخ امپراطوری افغانها در هند، 2 - تاریخ فرهنگی افغانستان «مجموعه مقالات» 3 - تاریخ مطابع و جراید افغانستان، 4 - تاریخ مقابر سلاطین و شاهان افغانستان، 5 - تاریخ پست و تکت پستی افغانستان، 6 - کاروانسراها و رباطها در افغانستان، 7 - زندانهای ناشناسی کابل، 8 - مسکوکات معاصر افغانستان (1880 تا امروز) 9 - مطبوعات در دهه های دیموکراسی افغانستان، 10 - قلعه های تاریخی افغانستان، 11 - گذرهای شهر کابل، 12 - تاریخ غوریان «مجموعه مقالات» 13 - مطالب که در مورد ولایت لوگر تا حال تهیه شده عبارتند از 1 - استاد عبدالرشید لطیفی از تبار لوگر و از اولین بانیان تبارت افغانستان 2 - برکی راجان سرزمین افسانوی ولسوالی برکی برک ولایت لوگر 3 - بابوس روستای گمنام ولایت لوگر 4 - قلعه یاد خوابی برکی برکی ولایت لوگر 5 - دویندی ولایت لوگر زخمی تراز گذشته 6 - قبر ابو مسلم خراسانی در قریه چلو زایی ولسوالی برکی برکی 7 - نایب سالار (جنرال) غوث الدین خان لوگری و کارکرد های او 8 - نائب امین الله خان لوگری 9 - یاد خواب ولایت لوگر 10 - سیر تاریخی تشکیلات اداری و حکومتی ولایت لوگر 11 - سجاوند یا ساکوند یکی از مراکز باستانی ولایت لوگر 12 - لوگر در آثار مورخان و جغرافیا نگاران 13 - بند آب ولسوالی خروار ولایت لوگر 4 جوی ها، نهرها و آسیاب های ولسوالی برکی برک ولایت لوگر 15 - افتتاح اولین مکتب متوسطه برکی راجان حکومت کلان لوگر (79 سال قبل از امروز) 16 - زرغون شهر بسترنگین ولایت لوگر 7 - بند آب سرخاب ولایت لوگر 8 - ولسوالی خروار سرزمین فراموش شده 19 - ولسوالی برکی برک 20 - سفر کوتاه به ولسوالی خوشی ولایت لوگر 21 - سیر تاریخی ولسوالی چرخ ولایت لوگر 22 - موقعیت و جایگاه ولسوالی آرز یا آرز ولایت لوگر 23 - کلنگار و پل علم ولایت لوگر را بشناسیم 24 - ولسوالی محمد آغه ولایت لوگر

شاه محمود محمود فرزند مرحوم میرزا غلام نبی مسکونه قلعه یاد خوابی قریه زقوم خیل ولسوالی برکی برک میباشد بنا بر وظیفه رسمی پدر^۵ ۱۱۱۱ کابل زندگی داشت. محمود به تاریخ 19 ماه جدی 1332 هجری شمسی مطابق 9 ماهه جنسوری 1954 میلادی در ساحه رنگریزان شهر آرا کابل زاده شده است. الفبای عربی قاعده بغدادی و قران و برخی کتاب های علوم دینی و مذهبی اسلامی را از پدر خود و ملای مسجد شهر آرا کابل و ملای مسجد ده افغانان فرا گرفته است، تا اینکه در سال 1340 هجری شمسی شامل مکتب قاری عبد الله خان واقع ده افغانان شد و دوره ابتداییه را با موفقیت به پایان رساند. از آن جا در سال 1346 هجری شمسی بعد از سپری نمودن امتحان کانکور به لیسه حبیبیه شامل صنف هفت شده و درس خود را تا سویه بکلوریا یعنی صنف دوازدهم ادامه داد. در سال 1351 هجری شمسی از این لیسه فارغ گردید و جهت ادامه تحصیلات عالی شامل امتحان کانکور در پوهنتون کابل شد و به پوهنخی ادبیات و علوم بشری پوهنتون کابل معرفی گردید در سال 1352 هجری شمسی 1973 میلادی فراغت از پوهنخی مذکور (رشته تاریخ و جغرافیه) در اخیر خزان سال 1355 هجری شمسی و شمولیت به وظیفه بحیث معلم اجتماعیات در لیسه ابن سینا کابل در سال 1356 هجری شمسی صورت گرفت. در ماه حوت 1358 هجری شمسی بعد از سپری کردن امتحان کدر پوهنخی علوم اجتماعی پوهنتون کابل به حیث استاد تاریخ در دبیرتمنت تاریخ عمومی این پوهنخی پذیرفته شد. بنابراین در پهلوی تدریس؛ زمینه تحقیق و پژوهش بیشتر برایش میسر گردید. همچنان درجه ماستری تاریخ افغانستان (داخل خدمت) را در سال 1365 هجری شمسی حاصل کرد. در طول سالهای خدمت مضامین تاریخ قرون وسطی کشورهای همجوار افغانستان (هند، چین، آسیای مرکزی، فارس و شرق میانه) را تدریس نموده و لکچر نتهای در مورد آن کشورها تهیه و به دسترس محصلان قرار گرفت. که تا امروز استادان جوان از آن استفاده می برند. قابل یادآوری است که مراتب علمی استادی پوهنتون کابل را از رتبه نامزد پوهیالی آغاز و بعد از یکسال به رتبه پوهیالی و بعد از گذشت هر سه سال با نوشتن و تحقیق یک رساله علمی و چند مقاله چاپ شده در مجلات پوهنتون کابل و اکادمی علوم به مراتب علمی پوهنیار، پوهنمل، پوهندوی و پوهنوال ارتقا نموده است. در مورد رتبه پوهنوالی اشارو مقالات^۶ از تمام مراجع علمی به شمول شورای علمی پوهنتون کابل طی مراحل گردید. هنگامیکه جهت امضا برای وزیر تحصیلات عالی از^۷ طالبان معرفی شده بود؛ فرستاده شد. شاه محمود^۸ کشور بیرون رفت. مدارک و اسناد بدون امضا باقی ماند. اما مطابق لوابیح و مقررات ترفیعات علمی کدر پوهنتون کابل؛ مراتب علمی بعد از امضای وزیر تحصیلات عالی از تاریخ تایید مجلس دبیرتمنت مربوطه مدار اعتبار است. روی این منظور شاه محمود حق آنرا دارا که رتبه علمی پوهنوالی در پیشوند نامش استفاده بیا اما تا حال اینکار را نکرده است. آثار و نوشته هایم که اقبال چاپ را یافته

زمین: ولایت لوگر اگر چه کوه ها و قله های زیاد دارد بازهم به تناسب آن زمین هموار و قابل زرع آن بیشتر است و از آن کوه ها با سطح دریا مایل است و برای کشیدن آنها و جریان آب و کشت باغ بسیار مناسب و جریان سریع دارد و این تمایل در دو طرف دریای لوگر وجود دارد.

کوه ها: حدود اربعه لوگر را کوه ها تشکیل داده که در اکثر جاها مرتفع و در اندک موانع پستی نسبی دارد که نامهای برخی از آن ها این است:

1. کوه سلطان صاحب در جانب شرق که بین ولسوالی های^۹ محمد آغه واقع است از بلند ترین کوه های لوگر بشمار می آید.
2. کوه سجاوند در جنوب غرب لوگر بین ولسوالی برکی برک و سیدآباد وردک واقع است.
3. کوه آپچکان بین لوگر و مچلغو پکتیا واقع است.
4. کوه خواجه انگور بین ولایت لوگر و زرمت ولایت پکتیا واقع است.
5. کوه بیت کول
6. کوه کلان بین هردو و جانب شرقی خروار موقعیت دارد.
7. کوه جلال در سمت جنوب خروار موقعیت دارد.
8. کوه تیره بین التور لوگر و گردیز واقع است.
9. کوه خشک کوه یا خوش کوه که از غرب منطقه کلنگار و بابوس بسوی جنوب تا ولسوالی برکی برک امتداد دارد و یک شاخه جنوب غرب آن با شاخه شمال غربی کوه سجاوند سرحد بین لوگر و وردک را در حصه تنگی تشکیل میدهد.
10. سیاه کوه در غرب آب بازک بین ولسوالی محمد آغه و میدان ولایت میدان وردک مایل است.
11. دیوال گی که از حصه جنوبی سیاه کوه شروع شده و بطرف جنوب تا تنگی وردک امتداد دارد و سرحد طبیعی را بین لوگر و وردک تشکیل داده ولی ارتفاع زیاد ندارد.
12. کوه میرابدال اگر چه این کوه هم به مقایسه سایر کوه ها ارتفاع نداشته و از پل علم تا خشک کوه امتداد دارد ولی دارای قله بلند مرکزی میباشد که آن قله را بنام مزار میرابدال یاد می کنند و فعلاً شهر جدید پل علم در دامنه شرقی آن موقعیت دارد.
13. کوه امان کوت در حصه شمال ولسوالی آزره موقعیت دارد.
14. سیدانوغر، قریب مرکز ولسوالی آزره موقعیت دارد.
15. لوی غر طرف جنوب ولسوالی آزره موقعیت دارد.
16. حصه آخرین کوه سپین غر که کوه مشهور و سرحد بین افغانستان و پاکستان است به سمت جنوب شرق آزره موقعیت دارد.

اکثر کوه های لوگر دارای اشجار نبوده تنها در کوه شماره 12^{۱۱} اطراف مزار میرابدال صاحب یک اندازه درخت های پست قامت خودرو وجود دارد و میوه نیز در موسم بهار در آن میروید که بنام خنجک یاد میشود که دانه های آن به اندازه نسک و مزه آن ترش میباشد و خشک کوه از این جهت با این نام مسماء گردیده که هیچ حصه آن آب و حتی تپه هم ندارد و ساختمان آن یک ضخره سخت میباشد.

در برخی از کوه های ولسوالی چرخ نیز درخت های کوتاه قامت و بی میوه خودرو وجود دارد که از آن به قسم هیزم کار گرفته میشود و یک تعداد آن بادام خودرو است و بادام تلخ در آن میروید که قابل خوردن نیست در برخی از کوه های ولسوالی آزره درخت های خودرو وجود دارد عبارت است از جلغوزه، لمزه، نشتز، بوجری بلوط و کنزر.

بقیه در شماره بعدی

وجه تسمیه ولایت لوگر

گر داورنده: مدیریت موزیم

در این مورد از سه زبان اثبات مطلوب میشود.



1 - یونانی: جغرافیه نگار مصری یونانی بنام بطلمیوس در قرن دوم مسمی گفته که یکی از معاونین رودخانه کابل لوکرنا میباشد از این معلوم که نام قدیم لوگر لوکرنا بود.

2 - پشتو: لوگر در اصل لوی غر بود و از این سبب با این نام یاد شده که این ولایت با کوه های بلند احاطه شده بعداً حرف ی از زبانها در تلفظ حذف و حرف غ به حرف گ مبدل شده چنانچه در نام گردیز گفته شد که در اصل گردیز بود و یا اینکه در لفظ لوگر تعریف نیارده بحالت خود است و حرف ل در لوفتجه داشته که در زبان پشتو به معنی درویدن است پس معنی لوگر درونده یا دروگر میشود و باین سبب اسم نام بر آن نهاده شده که پیشه اصلی و اولی اکثر سکنه آن از سابق تالاحق زراعت و بعداً مال داری بوده و در این صورت تسمیه محل به اسم حال طور مجاز صورت گرفته.

3 - از زمانیکه لوگر از حکومت کلان به ولایت ارتقاء نمود، در اوراق رسمی دولتی مانند تکت دفتر مالیه و هم نقشه سیاسی افغانستان این خط به لهو گرد یاد شده که مرکب از دو کلمه به معانی ذیل است. لهویکی از معانی آن برگشتن از چیزی است گرد به ضم گاف بمعنی پهلوان و دلاور و بفتح به معنی شهر، آفتاب و نفع آمده بعد از ترکیب امتزاجی این دو کلمه حاصل معنی چنین میشود مردم آن پهلوانانی اند که بعد از ختم محاربه برگشته اند یا از شهری به شهری برگشته اند یا از منطقه آفتابی برگشته اند که این منطقه 8 ماه آفتاب کامل و روشن به سردارد یا از محل نفع که زمین حاصل خیز و قابل کشت دارد برگشته اند با نفع فراوان لهوگر لهو بضم لام و های ملحوظ بمعنی پرنده بلند پرواز و عقاب و گر بمعنی کوه است که حاصل معنایش کوه عقاب و پرنده بلند پرواز میشود.

حدود اربعه و مساحت:

ولایت لوگر به اساس تشکیل موجوده با این ولایات هم سرحد است: در جانب شرق با ولایت ننگرهار از طرف شمال با ولایت کابل طرف غرب ولایت میدان وردک از طرف جنوب غرب با غزنی و از طرف جنوب با پکتیا مساحت آن از انتها کوه سپین غر تا دهن تنگی وردک شرقاً و غرباً شمالاً و جنوباً از انتهای دشت سقابه تا کوتل تیره 4652 کیلومتر می باشد.

آب و هوا:

ولایت لوگر با 4 ولایت همجوار بجز ننگرهار هوای مشابه دارد یعنی تابستان گرم و زمستان سرد دارد ولسوالی های آزره و خروار نسبت به دیگر حصص لوگر سردتر است بجز سالهای خشک سالی در (3) ماه زمستان برفباری دارد که ضخامت برف بین 10 الی 50 سانتی متر در محل های هموار و تا 80 سانتی در مناطق کوهستانی میباشد و در ماه های قوس، حمل و ثور باران بر آن می بارد این برف و باران ذخیره آب چاه های چشمه ها کاریزها و دریا و جوی ها می گردد و در خشک سالی ها منابع ندارد یا کم آب و یا بکلی خشک میشود. هوای آن در بهار و خزان خوشگوار و در تابستان در طول روز اندکی تکلیف آور ولی در شب ملایم میباشد آب آن در هر محل شیرین است نه تلخ نه شور و نه چرب برخی از چشمه ها و کاریزها در موسم زمستان دارای آب گرم است که زمستان به سهولت آنرا استعمال میتواند و به گرم نمودن حاجت ندارد.